

صحیفه سجادیه، مناجات‌نامه سیاسی است/فعالیت‌های اجتماعی امام سجاد

محمد منصورنژاد گفت: صحیفه سجادیه به عنوان «مناجات‌نامه سیاسی» می‌تواند مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و حتی در یک نگاه راهبردی برای مشکلات سیاسی روزگار ما ارائه طریق کند.



محمد منصورنژاد گفت: صحیفه سجادیه به عنوان «مناجات‌نامه سیاسی» می‌تواند مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و حتی در یک نگاه راهبردی برای مشکلات سیاسی روزگار ما ارائه طریق کند.

به گزارش خبرنگار مهر، دوران امامت امام سجاد (ع) ویژگی‌های خاصی دارد، نهضت عاشورا، دوران اسارت، قیام‌های متعدد شیعی پس از شهادت امام حسین (ع)، خفقان خلفای جور و همزمانی با تعداد زیادی از آنها از ویژگی‌های این دوران است. در گفتگو با محمد منصورنژاد استاد علوم سیاسی، عضو هیئت مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران، نویسنده و پژوهشگر کشورمان به بررسی دوران امامت امام سجاد (ع) و اهمیت صحیفه سجادیه پرداختیم. محمد منصورنژاد دکترای خود را در رشته اندیشه سیاسی در سال ۱۳۷۹ از دانشگاه تهران اخذ کرد. او سابقه تحصیلات حوزوی نیز دارد. منصورنژاد به جز تدریس در دانشگاه‌های مختلف، تألیف کتاب‌هایی چون «امنیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری»، «امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام»، «دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی»، «دین و دولت در اسلام»، «گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر اندیشمندان ایرانی»، «هرمنوتیک و دین» و «تربیت دینی، آسیب‌شناسی، دلالت‌ها و روش‌ها» را نیز در کارنامه علمی خود دارد.

*آقای دکتر! ابتدا در مورد زمانه امام سجاد (ع) و دوران امامت و اینکه با چه خلفایی هم عصر بودند، توضیحاتی ارائه دهید؟

امام سجاد (ع) به عنوان امام چهارم شیعیان، مانند پدر بزرگوارشان ۷۵ سال عمر نمودند، البته معمولاً در مورد ولادت و شهادت معصومین اختلاف نظر زیاد می‌باشد و این اختلاف در مورد امام سجاد (ع) بیشتر نیز است. در مورد اینکه امام در چه سالی متولد شدند اختلاف بسیار زیاد می‌باشد، اما بیشتر منابع آورده‌اند که ایشان در سال ۹۳ ه. ق به دنیا آمدند و در سال ۳۹ ه. ق به شهادت رسیدند. با این وصف ایشان در دو سالگی بودند که حضرت علی (ع) جد بزرگوارشان به شهادت رسیدند و در سن دوازده سالگی عموی بزرگوار خود، حضرت امام حسن (ع) را از دست دادند و حادثه کربلا زمانی رخ داد که ایشان ۲۲ سالشان بوده است. از آنجایی که امام حسین (ع) علاقه زیادی به پدر گرامیشان داشتند به نحوی نام ایشان را بر روی فرزندان پسر خود نهادند، نام امام (ع) را علی اوسط گذاشتند و نام دو برادر دیگر ایشان را هم علی اکبر و علی اصغر نهادند.

امام سجاد (ع) حدوداً پانزده فرزند دارند که در مورد تعداد فرزندان آن حضرت هم اختلاف نظر وجود دارد. در بین فرزندان، دو تن از پسرانش خیلی شاخص می‌باشند، یکی امام باقر (ع) می‌باشد و دیگری زید، که هر کدام از این پسران خود مؤسس یک مذهب و روایت از شیعه می‌باشند. شیعه زیدیه که خاستگاه آن از زید یکی از فرزندان امام است و شیعه امامیه که از نسل امام باقر (ع) و امام صادق (ع) می‌باشند، یعنی شیعه زیدیه و شیعه امامیه، هر دو به نحوی به فرزندان امام سجاد (ع) باز می‌گردند. بد نیست بدانیم که شیعه زیدیه در مازندران بیشتر از جاهای دیگر ایران سابقه دارد.

یکی از نوادگان امام سجاد (ع) به نام یحیی بن زید که در گرگان و جرجان و مناطقی از شمال قیام کردند. ما کم و بیش امام باقر (ع) را می‌شناسیم، ولی اگر بخواهیم در مورد زید بیشتر بدانیم باید مطالعه و تحقیق نمائیم. زید در عصر امام صادق (ع) دست به قیام زد و در سال ۰۱۱ ه. ق به شهادت رسید. در آن زمان که امام صادق (ع) کار فرهنگی می‌نمود، زید اقدام به فعالیت نظامی امنیتی کرد، اگر امام صادق (ع) جهاد علمی نمودند، ایشان جهاد نظامی کردند. این دو رویداد بسیار متفاوت از هم بوده است. اما اینکه آیا این دو اقدام با هم هماهنگ بوده، در راستای هم بوده یا مکمل هم بوده است یا نه، جای بحث دارد که در این مجال نمی‌توانیم به آن بپردازیم.

امام سجاد (ع) به دست ولید بن عبدالملک مسموم شدند. بنی امیه دو شاخه اصلی داشتند، سفیانی‌ها (فرزندان ابوسفیان) و مروانی‌ها (فرزندان مروان حکم). بنی امیه دو جریان به راه انداختند که جدای از یک نگاه ارزشی، هر دوی آنها در تاریخ اسلام مؤثر و سرنوشت‌ساز بودند. کارگزاران یکی از این جریان‌ها ابوسفیان، معاویه، یزید، و ابن زیاد … بودند و بعد از آنها کار به دست مروان می‌افتد. مروان به ابوسفیان نزدیک بود، اما در جایی که دید دیگر از

فرزندان و نوه های معاویه و ابوسفیان کاری ساخته نیست، خود حکومت را در دست گرفت و از آن به بعد حکومت مروانی شد و بعد از مرگ مروان حکم، عبدالملک مروان بر سر کار آمد.

او همان کسی می باشد که جمله معروف «هذا فراقٌ بینی و بینک» را گفته است، می گویند: که عبدالملک مروان در مسجد مشغول خواندن قرآن بود که به او خبر دادند که پدرش مرده و او حاکم جهان اسلام شده است و او این جمله را گفت که من از این به بعد با قرآن دیگر کاری ندارم. واقعیت هم همین طور است. عبدالملک مروان حدوداً بیست سال حکومت کرد و در این بیست سال با شیعه و مخالفین خود برخورد سنگین کرد. حجاج بن یوسف ثقفی یکی از عوامل او بود که وقتی وارد کوفه می شد مردم بسیار می ترسیدند. پس از عبدالملک مروان، ولید پسر او به حکومت رسید که او قاتل امام سجاد (ع) می باشد.

*موقعیت سیاسی عصر امام سجاد (ع) چگونه بود؟

امام سجاد (ع) از آن جمله امامانی می باشند که در زمان حیاتشان خلفای متعددی حکومت کردند. معاویه و پسرش یزید، معاویه بن یزید، مروان، عبدالملک مروان و پسر او ولید بن عبدالملک و چقدر خلفای جور را تجربه کردند و به غیر از آنها در مقطعی هم در مناطقی از جهان اسلام (همان گونه که در فیلم مختار دیده اید) فرزندان آل زبیر نیز به سر

کار آمدند، یعنی امام خلفای خیلی متعدد و مختلفی را تجربه کردند که وجه اشتراک همه آنها این بوده که عرصه را بر حضرت تنگ می نمودند، و امام همیشه برای حکومت ها سوژه بودند، همیشه منزل و رفت و آمدهای ایشان، خانواده و یارانشان تحت نظر بودند و از این جهت بود که امام سجاد (ع) به یک معنا همیشه در تقیه زندگی می کردند و از این جهت است که زندگی و مواضع ایشان برای ما و جهان اسلام پیام دارد. ما در جهان اسلام که حدود یک میلیارد و نیم آدم داریم و اکثر مسلمانان جهان مانند: اردن، عربستان، قطر و... در اختناق به سر می برند با یک سواحل اساسی همیشه مواجهند که اگر در شرایطی فضای جامعه مساعد نیست و حکومت هم اسلامی نبود و زمینه برای بسط دین فراهم نمی باشد.

*گزینه های پیش روی امام سجاد (ع) چه بود، ایشان در آن شرایط چه اقداماتی را انجام دادند؟

این پرسش واقعاً سوال مهمی است. در شرایطی که زمینه فراهم است، انسان های مصلح و متدین نیز فعالیت می کنند و مسئولیت می پذیرند و کمک می کنند و انجمن تشکیل می دهند، ولی اگر زمینه فراهم نباشد وظیفه چیست؟ امام سجاد (ع) به عنوان امام معصوم که از نظر شیعه قول و فعل و تقریرش حجیت دارد، به ما می آموزد که باید در چنین شرایطی چه کاری انجام دهیم، زیرا ایشان در طول زندگی شریفشان که در سن ۲۲ سالگی حادثه کربلا را تجربه نمودند و ۳۴ سال هم به امامت شیعیان پرداختند و با وجود حکومت های وحشتناک و مستبد آن زمان صحیفه سجادیه را که یکی از دستاوردهایشان است، تولید نمودند. این بسیار برای همه مسلمانان خصوصاً شیعیان پیام دارد، که اگر شرایط محیط بیرونی آماده نبود باید از امام سجاد (ع) بیاموزیم که چه کاری باید انجام دهیم.

از اینجا اهمیت علت فاعلی صحیفه را می توان فهمید. امام در آن زمان چهار گزینه در برابرشان داشتند:

یک: هر چه حکماً و خلفا می گفتند را تأیید می کرد و به قولی آخوند درباری می شد. خوب این کار که از امام سجاد (ع) واقعاً بعید بود، زیرا او فرزند کسی بود که گفت: «الا و ان الدعی یا بن الدعی قد رکزنی بین اثنتین بین السله والذله، هیهات من الذله». کسی که حکومت، خانواده اش را به شهادت رسانده باشد، به این سادگی که نمی تواند این مسأله را فراموش کند، پس از امام سجاد (ع) بعید بود که با آنان سازش نماید و هر عقلی هم این را می فهمد.

دو: راه دومی که امام می توانست انتخاب نماید این بود که ایشان بروند و در خانه بنشینند و اصلاً کاری به سیاست، قدرت و دولت نداشته باشند و بروند به دنبال زندگی، زن، فرزند، معیشت و اقتصاد خود و تمام مسئولیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از خود سلب نمایند. اما ایشان امام بودند، مگر امام می تواند بگوید که من با مردم کاری ندارم، در صورتی که مسئولیت امام رساندن پیام به مردم می باشد و حتی مسئولیت بیش از این دارد که باید در جلوی مردم باشد، تا دیگران در پشت سرشان به راه افتاده و به ایشان اقتدا نمایند. پس از امام بعید بود که این راه را بروند، زیرا او امام و از خاندان رسول اکرم (ص) می بودند. اگر بدین گونه عمل می نمودند، دیگر امام نبودند. کسی که بگوید، اگر مردم گرسنه اند به من ارتباطی ندارد و اگر ظلم و ستم در جامعه حکم فرماست به من مربوط نمی شود، او دیگر امام نیست.

سه: راه سومی که در فراروی امام قرار داشت این بود که ایشان به صورت شفاف بگویند که یزید آدم فاجری است و

مروان و عبدالملک مروان هم از او بدتر می باشند. خلاصه این که بیانیه بدهد که همه بیایند و سینه سپر نمایند و جلوی این ستمکاران بایستند و اعلام جهاد نمایند، اما این راه را قبلاً پدر بزرگوارش رفته بود و فعلاً زمینه برای اقدام نظامی اصلاً فراهم نبود. ایشان می توانستند از خون های به ناحق به زمین ریخته، بهره برداری کنند و پیام شهیدان و مجاهدان را به مردم برسانند. امام حسین (ع) که در دامن رسول خدا (ص) می نشست، در کربلا پرپر گشتند و خون مطهرش ریخته شد، حال امام سجاد (ع) می تواند با یک زبان و لسان دیگر از این خون ریخته شده بهره برداری نماید. خیلی واضح و شفاف می باشد که امام سجاد (ع) راه سوم را انتخاب نمودند و جلوی حکومت ها مستقیماً نایستادند.

چهار: راه چهارم راه تقیه بود. علت فاعلی صحیفه از این جهت مهم می باشد، که بدانیم صاحب صحیفه در چه فضایی گفته و نوشته است. در فضایی بسته که نمی توان در آن فضا به طور شفاف حرف زد، در فضای تقیه بود، که امام حرف زدند، در فضایی که نمی خواهد بی تفاوت باشد. بدین لسان حرف می زدند، در فضایی که امام نمی خواهند حکومت از سخنان او بهره برداری نماید، این گونه سخن می گویند و بیانیه امام سجاد (ع) صحیفه سجادیه می شود.

*ویژگی های شخصیتی و علمی امام سجاد چگونه بوده است؟

انسانی که می خواهد یک بار سنگین، یک پیام و یک سخن را در فضای تقیه، بسته و استبدادی منتقل نماید چه کسی می باشد؟ ایشان انسان عجیبی است که از لحاظ علم در حدی است که بزرگان اهل سنت گفته اند: که در حد امام سجاد (ع) در زمان خودش عالمی نبوده است. اهل سنت در مورد امام این چنین نظری می دهند.

امام در بُعد عبادی هم که مشهور به سجاد بودند. سجاد، یعنی کسی که بسیار سجد و عبادت می کند. منتها همین شخصی که عبادت بسیار می کرد، فردی بود که همانند جدش حضرت علی (ع) شبانه بر دوش خود خرما حمل می کرد و برای مساکین و فقرا می برد و پس از شهادت امام مشخص گردید که ۱۲۰ خانوار زیر پوشش و حمایت آن حضرت بودند. حال ما که می گوئیم شیعه هستیم، زندگی چند نفر به ما گره خورده است؟ چه بسا که ما برای تأمین زندگی خود و زن و فرزندمان خستت به خرج می دهیم! آری این شخص کسی بود که نماز شب می خواند و گریه و ضجه می زد و همین انسان می باشد که صحیفه سجادیه را نوشته است، ایشان ۱۲۰ خانواده را مدیریت می کردند. سؤالی که اینجا مطرح می باشد این است که آن حضرت چقدر سرمایه داشتند که می توانستند ۱۲۰ خانواده را سرپرستی نمایند؟ آیا فردی که سرمایه ای نداشته باشد، می تواند خانواده ای را سرپرستی کند و در تأمین معاش دیگران مشارکت نماید؟ پس نتیجه می گیریم که حضرت دارای ثروت زیادی بودند و می دانیم که این ثروت از اجدادش به وی نرسیده بود، زیرا آنان هم هر چه سرمایه داشتند بین فقرا تقسیم می کردند. باید بر روی ابعاد مختلف زندگی امام سجاد (ع) مطالعه نمود، ایشان کم زحمت نکشیده بود، قنات و باغ های مختلفی به دست مبارک ایشان آباد گردید و اینها نکاتی است که ما شناخت کافی از آنها نداریم. شناخت ما از آن بزرگوار خیلی زیاد باشد این است که می دانیم آن حضرت کتابی به نام صحیفه دارد و آن را هم که نمی خوانیم، فقط در این حد می دانیم که ایشان بسیار اهل دعا بودند.

در منبعی آمده بود که امام بالای صد هزار کنیز و برده خرید و آزاد نمود. حال این کنیز و برده از کجا می آمدند؟ در زمان مروانی ها که با تمام بدیهای شان و هر نیتی که داشتند سبب گسترش اسلام شدند. آنان در مسیر کشورگشایی ها، اسرای زیادی به دست می آوردند، که اسرای مرد را برده، و اسرای زن کنیز نامیده می شدند. امام سجاد (ع) می رفتند و از این اسرا خریداری می کردند و یک سال آنان را نزد خود نگه می داشتند و تربیتشان می کردند و آداب و فرهنگ اسلامی را به آنان آموزش می دادند، و اصلاحشان می کردند، سپس سرمایه ای به آنان داده و آزادشان می کردند تا بروند و با آن سرمایه شغلی فراهم کنند و سربار دیگران نگردند. اگر ما بخواهیم یک گوشه کوچکی از کار امام را انجام دهیم، همان کار اقتصادی را انجام دهیم، نمی خواهد که برویم و صحیفه بگوئیم! کاری که او کرده بالای صد هزار نفر را خرید و تربیت نمود و آزاد کرد. اخباری که ما از اوضاع امام در آن زمان داریم این است که آن حضرت در تقیه بودند و از طرف دیگر خبری را خواندم که برایم ابتدا مفهوم نبود، ولی مقداری که در زندگی آن حضرت دقت نمودم، این مشکل برایم حل گردید. می گویند هشام بن عبدالملک برای طواف به مکه رفته بود، در زمان طواف دیگر بزرگ و کوچک، و مرد و زن، و آقا و برده، با هم فرقی ندارند و آنجا تنها مکانی در دنیا می باشد که همه افراد با هم برابرند. هشام بن عبدالملک که خلیفه بزرگ جهان اسلام بود، به هر سو که می خواست برود و طواف نماید برایش بسیار سخت بود، خصوصاً که او با ناز و نعمت زندگی کرده بود و همه جا افراد زیادی مواظب او بودند که خلیفه آسیبی نبیند. در آن مکان برایش طواف بسیار مشکل بود و حتی زمانی که می خواست استلام حجر نماید این کار اصلاً از محالات بود و مردم دور سنگ حجارالاسود را گرفته بودند، نمی دانیم که در آن حال به ایشان حسی دست داد که دستور دادند که منبری بیاورند و او بر منبر رفت و تعدادی مردم اهل شام بر دور او جمع شدند که ناگهان دید که شخصی در حال طواف می باشد و هر جا که می رود تا مردم متوجه حضور او می شوند راه را برایش باز می کنند.

در جایی که به خلیفه مسلمین کسی توجهی نمی کند، برای آن فرد این همه احترام قائل هستند و راه را برایش می گشایند. عبدالملک مروان دیدند که زمانی که این شخص به حجرالاسود رسید مردم همه خود را به کنار کشیدند و او به جلو رفت و دستی بر حجر الاسود کشید و بوسید و رفت. هشام بن عبدالملک پرسید که او کیست؟ در آن وقت «فرزدق» شاعر مشهور که می گفت: من عمری چوبه دارم را بر دوشم حمل می کنم. گفت: الذی تعرف البطحاء و طاقه و البیت يعرفه و الحل والحرم: خدا و حرم می شناسد، این شخص پسر بهترین بندگان خداست و او تقی، نقی و طاهر است. آیا او را نمی شناسید؟ او را مردم حجاز همه می شناسند. او فردی است که زمانی که حکومت، دولت و قدرت، هر چه خواست او را محدود کند و جلوی راهش را سد نماید، اما او به پنهانی و دقت و درستی اهداف خود را دنبال می نمود.

همان تعداد برده و کنیزی که حضرت تربیت نمود و آزاد کرد، اگر هر کدام که رفتند و تشکیل خانواده دادند، نزد چهار نفر دیگر از امام سجاد و خصوصیات و رفتارش تعریف می کردند، خوب آن افراد هم اگر مانند خود امام سجاد (ع) نمی توانستند بشوند ولی دوستدار امام که می شدند. امام سجاد (ع) شدن مشکل است و کسی به مانند ایشان پیدا نمی شود. اما زمانی که می شنوید شخصی است که به این صورت بخشنده می باشد، این همه علم و فضل دارد، دارای توانایی بسیاری است، دل رئوفی داشته و اهل عبادت بسیار می باشد، همه انسان های سالم که این نکات را می شنوند، دوستدار او می شوند. امام به این طریق محبوبیت مردمی اش را فراهم نموده بود.

حضرت سجاد آن زمان در مدینه زندگی می کردند و مکه تا مدینه حدود پانصد کیلومتر فاصله است. زمانی که امام قصد رفتن به حج را داشتند، چون آن زمان با اسب و شتر به سفر می رفتند، بنابر این چندین روز در راه بودند و امام سجاد (ع) در این شرایط سخت، بیست بار حج سفر نمودند و جالب تر این است که امام قافله هایی را که در حال رفتن به مکه بودند مورد شناسایی قرار می دادند و قافله ای را انتخاب می کردند که ایشان را اصلاً نمی شناختند و با آنان به حج می رفتند. آورده اند یک بار کسی داشت از کنار قافله ای رد می شد دید امام سجاد (ع) در آن قافله در حال پذیرایی از بقیه می باشد. پرسید چرا ایشان دارد از شما پذیرایی می کند. گفتند: مگر او که می باشد؟ او از زمانی که در مدینه به ما ملحق شده است از همه پذیرایی می کند و انسان خوش خلق و مهربانی می باشد. آن فرد گفت که او زین العابدین (ع)، نوه پیامبر اکرم (ص) می باشد. آنان همگی بسیار ناراحت شدند و از امام سوال نمودند که چرا خود را معرفی نکردید و ما به شما بی احترامی کردیم؟ امام در جواب فرمودند: من خود خواستم ناشناخته بمانم تا بتوانم در کار به دیگران کمک نمایم. زیرا زمانی که مرا بشناسید، از آنجایی که دوستدار پیامبرید نمی گذارید که من کاری انجام دهم و من نمی خواهم که این گونه باشد. ایشان حتی زمان رفتن به حج افتخارشان این بود که به مسلمانان و مؤمنین خدمت نمایند.

در بسیاری از مواقع فکر می کنیم که زیارت یعنی برویم و به ضریح مطهر خود را بچسبانیم و ...; در صورتی که بعضی از کارها خود در حد حج، آثار و برکات دارد. امام سجاد (ع) در مسیر حج که چندین روز طول می کشید، دائم در حال خودسازی و عبادت بودند تا به ارتباط با خدا به صورت مستقیم برسند. امام در راه حج به گونه دیگری داشتند عبادت می کردند. این چند جمله ای که از امام گفتیم شاید برای شناخت بهتر ایشان کافی باشد و هر چند هرگز کافی نیست.

*چرا امام سجاد (ع) سعی کرد که با دعا، مردم را راهنمایی کند؟

حضرت زین العابدین (ع) نمی توانست کلاس رسمی تشکیل داده و شاگرد تربیت نماید، اما از همان اندک ارتباطی که می توانست داشته باشد، به تربیت و پرورش نیرو پرداخت. امام سجاد (ع) در ظاهر هیچ کار سیاسی نمی کرد، اما وقتی در فضای بسته، احتناق و تقیه، نیرو تربیت می کند، حرف می زند، پیام می دهد و دعا می کند، او همان فاعل صحیفه می باشد، مگر می شود ندانست کاری که انجام می دهد به چه معناست؟ مثلاً: اگر پدر یک فرد دارای منصب، مرحوم شود و کسی پیام تسلیت بدهد، پیام تسلیت می تواند یک امر خیلی عادی باشد. اما در شرایط خاص یک پیام تسلیت دارای معنا و بار سیاسی می باشد. در زمان امام سجاد (ع) که حضرت در تقیه، انسان تربیت می کند، ظاهرش این می باشد که ایشان برده می خرد و آزاد می کند، و خانواده هایی را سرپرستی می کند. آن خانواده وقتی می بیند که این شخص او را تأمین می کند عاشق او می شود. و کسی که عاشق کسی گردد حرفش را می شنود و به جان دل می سپارد. رابطه امام و مأمومی شکل می گیرد.

چنان شخصیتی است که صحیفه سجادیه را خلق نموده است، علت فاعلی صحیفه سجادیه، فردی بوده که با قدرت های عصر خود هم، سازش ندارد، و از خانواده پیامبر اکرم (ص) می باشد، صاحب عبادت و معنویت بسیار است، پدر، برادران و عمویش را مظلومانه به شهادت رساندند و این انسان باید آگاهی بخشی بکند و بصیرت ایجاد نماید. می خواهد فعالیت و روشننگری کند. و زمان خواندن صحیفه، به یاد داشته باشید که این دعا برای روشننگری می باشد. از این

زاویه می باشد که فاعل صحیفه دارد سخن می گوید و امام سجاد (ع) با این همه عظمت مادی و معنوی، دنیایی و آخرتی و ظاهری و باطنی، صحیفه سجادیه را خلق نموده است.

* به نظر می رسد صحیفه سجادیه هم مانند قرآن و نهج البلاغه در بین ما مهجور است؟

با تمام وجود معتقدم با رویکردهای مختلف مربوط به حیطه های علوم انسانی (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، وhellip;) می توان با اتکا به مواد صحیفه سجادیه، رساله های دانشجویی (ارشد و یا دکترا) نوشت و می توان محورهای پژوهشی حتی کاربردی بر اساس آن تعریف و تحدید نمود. باید دعا کرد که روزی صحیفه سجادیه از روی طاقچه های خانه ها و از لای کتاب های کتابخانه ها به عنوان یک منبع زنده و غنی در دست طلاب و دانشجویان قرار گرفته و راهنمای زندگی همه در ابعاد فردی و اجتماعی شود. باید امید داشت و دعا کرد که روزی محصول پژوهش های درباره محتوای صحیفه سجادیه با رویکردهای گوناگون به صورت تخصصی جزو متون درسی دانشگاهی و حوزوی قرار گیرد.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی زمانی که می خواست با یک عالم بزرگ سنی به نام شیخ طنطاوی جوهری سخن بگوید، صحیفه سجادیه را برای آن عالم سنی فرستاد. شیخ طنطاوی جوهری صاحب تفسیر الجواهر، هم متنی درباره صحیفه سجادیه نوشت و این عین جمله ای ایشان است: «این از بدبختی است که ما تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید، از میراث های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم. من هر چه در آن می نگرم آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می یابم.» این جمله را اگر یک عالم سنی می گوید، فرق می کند تا یک نفر شیعه که عاشق امام سجاد (ع) است بگوید. این گونه اظهارنظرها حکایت از دانش عظیم امام چهارم دارند. در منابع مختلف هم آمده که بزرگان عصر خود امام سجاد (ع) نیز به کرات گفته اند که حضرت بزرگترین عالم و فقیه زمان و عصر خویش بوده اند.

ویلیام چیتیک نویسنده و پرفسور امریکایی است که به ایران آمده و دکترا گرفت و بر ادبیات و زبان فارسی مسلط شد. یکی از خدماتی که او بر شیعه نمود این بود که صحیفه سجادیه را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. چند جمله از دعا سبک و ادبیات خاص در اسلام «مقدمه ویلیام چیتیک بر صحیفه را برایتان می خوانم و تشیع می باشد، دعا غیر از نماز، ورد و ذکر است، اینها هر کدام نوعی از دعا می باشد، در انگلیسی به همه اینها pray می گوئیم، این کلمه در انگلیسی خیلی عام می باشد و ریزه کاری های اسلامی را ندارد. کلمه دعا در فارسی و عربی معنای مخصوص دارد، ما نمی توانیم به نماز دعا بگوییم. درست است که در نماز دعا می خوانیم، اما خود نماز دعا نیست. دعا عبارات مخصوصی است که خطاب به خدا می باشد. در قدیم می گفتند که صحیفه خواهر قرآن (اخت القرآن) است، این عبارت بسیار شیرینی است، زیرا این دو مثل خواهر و برادر هستند. قرآن مردانه به او خطاب می کند و صحیفه خواهرانه و با انس و الفت لطیفی به او جواب می دهد. بالاخره صحیفه انعکاس کلام امام مقابل کلام خداست.» می بینید که یک فرد آمریکایی چه دارد می گوید. نکاتی را که اگر ما بخواهیم درک نمائیم باید چندین بار آنرا بازخوانی نمائیم تا بفهمیم که چه می گوید.

آنه ماری شیمل یک پرفسور بزرگ زن آلمانی است. در مورد او می گویند آن قدر کتاب و مقاله نوشت که از او تعداد نوشته هایش را پرسیدند، گفت: تعدادش را نمی دانم! او بیشتر نوشته هایش یا درباره ایران است یا درباره اسلام. آنه ماری شیمل یکی از کسانی می باشد که عرفان و عرفای ایرانی و اسلامی را بسیار خوب معرفی نمود. ما واقعاً این افراد را می بینیم غبطه می خوریم. اولاً او یک زن می باشد و ثانیاً آلمانی است و زمان می خواهد تا بر یک زبان دیگر مانند عربی مسلط گردد و بفهمد که صحیفه دارد چه می گوید، حال می بینیم این خانم آمده و بخشی از صحیفه را به زبان آلمانی ترجمه کرده است. قسمتی از خاطرات او را می خوانیم که ببینید، مواد صحیفه چقدر عمیق می باشد و از محتوای آن انسان می فهمد که این کلام عادی نیست، که در پایان قرن ۲۰، یک پرفسور آلمانی در مهد فرهنگ و تمدن در مقابل آن زانو می زند!

این پرفسور در خاطراتش می گوید: مادرم در بیمارستان بستری بود و من مداوم به او سر می زدم. پس از اینکه به خواب می رفت در گوشه ای از اتاق مشغول پاکنویس ترجمه صحیفه می شدم. در کنار تخت، زنی متعصب کاتولیک بود که از کارم ناراحت بود، او می گفت: مگر ما در مسیحیت و کتب مقدس خودمان از نظر ادعیه کمبودی داریم که تو اکنون به دعای مسلمانان روی آوردی؟ جوابی به وی ندادم، اما وقتی کتابم چاپ شد نسخه ای از آن را برای او فرستادم. مدتی بعد آن زن از طریق تلفن به من گفت بسیار صمیمانه از این هدیه جالب متشکرم، زیرا هر روز به جای انجیل آن را می خوانم.

ما اگر بتوانیم صحیفه سجادیه را که برای چهارده قرن پیش است به درستی معرفی نمائیم و به دست مسیحیان بدهیم، آنان انجیل را کنار گذاشته و صحیفه را می خوانند. اینکه گفتند انجیل آل محمد (ص)، زبور آل محمد (ص)، یعنی

این کتاب هم وزن و حتی جلوتر از کتب مقدس مسیحیان و بنی اسرائیل است.

از آنجایی که صحیفه سجادیه در یک فضای بسته سیاسی در عهد امویان مطرح گشته است، پس باید منبع و نصی غیرسیاسی بوده و نایاب ترین مطالب در صحیفه باید درباره سیاست باشد، اما می توان از صحیفه سجادیه مباحث سیاسی هم استخراج کرد. چه خوب است مثلاً دانشجویان رشته علوم سیاسی در کنار فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، تاریخ سیاسی، اقتصاد سیاسی، سیاست نامه ها و شریعت نامه ها، صحیفه سجادیه را نیز به عنوان دستاورد عظیم امام سجاد (ع) و تحت عنوان «مناجات نامه سیاسی» مورد بررسی و تحقیق قرار دهند و حتی در یک نگاه راهبردی برای مشکلات سیاسی روزگار ما بر اساس این منبع ارائه طریق کنند.